

نخستین منظومه ی نحوی در ادبیات عربی

دکتر باقر قربانی زرین *

چکیده:

منظومه های نحوی جایگاه ویژه ای در ادبیات عربی و آموزش علم نحو دارند. مشهورترین این منظومه ها الفیه ی ابن مالک (م. ۶۷۲) است. ولی پیش از او احمد بن منصور یشکری (م. ۳۷۰): حریری (م. ۵۱۶) و ابن معطی (م. ۶۲۸) منظومه های تعلیمی خود را در علم نحو سروده اند. اما نخستین منظومه ی نحوی از آن خلیل بن احمد (م. ۱۷۰) است در ۲۹۳ بیت که در این نوشتار به ویژگیهای آن اشارت رفته است.

واژه های کلیدی: نحو، منظومه های نحوی، خلیل بن احمد

درباره ی علم نحو عربی سخن فراوان است: چگونگی پیدایش آن و ارتباطش بانحو سانسکریت؛ نخستین نحویان و تألیفات آنان؛ پیدایش مکتب های گوناگون نحوی و... که پرداختن بدانها مجال دیگری می طلبد. آنچه که در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است نخستین سروده ی نحوی در ادبیات عربی است. از مشهورترین منظومه های نحوی، الفیه ی ابن مالک (م. ۶۷۲ ق.) است با عنوان «الخلاصه» که ابن مالک آن را از دیگر اثر منظوم خود *الكافیة الشافیة فی النحو* تلخیص کرده است. *الكافیة الشافیة* مشتمل بر ۲۷۵۷ بیت است. الفیه ی ابن مالک مورد استقبال طالبان نحو قرار گرفت و ده ها شرح بر آن نگاشته شد. (ر.ک: حاجی خلیفه، ج ۲، ستون ۱۳۶۹). پس از ابن مالک نحویان، منظومه های نحوی دیگری نیز سروده اند از جمله ی آنان الحسن المرادی (م. ۷۴۹ ق.) است که منظومه ای در «معانی حروف» سروده و سپس آن را شرح کرده است؛ دیگر زین الدین آثاری (م. ۸۲۸ ق) است که الفیه ای سروده با مطلع:

لنحویاب فضله نال الأرب الحمد لله الذی من اقترب

* دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۰/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله:

و نام آن را «کفایه الغلام فی اعراب الکلام» گذارده است (ر.ک: حریری، مقدمه فائز فارس، ۲۵).

از منظومه‌های مشهور پیش از الفیه‌ی ابن مالک، الفیه‌ی ابوالحسن یحیی زواوی مغربی مشهور به ابن معطی (م. ۶۲۸ق.) است که ابن مالک در آغاز الفیه خود بدان اشارت کرده و «تفضیل سبق» داده است (ر.ک: ابن عقیل، ۱۱/۱-۱۲):

وتقتضی رضاً بغير سُخط فائقه الفیه ابن معطٍ
و هو بسبق حائز تفضیلاً مستوجب ثنائی الجمیلاً
سروده‌ی دیگر از ابومحمد قاسم بن علی حریری (م. ۵۱۶ق.) است در ۳۷۵ بیت در بحر رجز مشطور که سراینده خود، نام آن را «ملحه الاعراب» نهاده است و در بیتی بدان اشاره کرده است (حریری، ۲۵۹):

و قد تَقَضَّتْ مُلْحَهُ الاعراب مودعهً بدائع الاعراب
جالب آنکه حریری منظومه‌ی خود را شرح نیز کرده است و شروح متعدد دیگری نیز بر آن نگاشته شده است (برای تفصیل نک: حریری، مقدمه‌ی فارس، ۲۶-۲۹؛ ابن انباری، ۳۷۹؛ قفطی، ۲۵/۳؛ یاقوت حموی، ۲۲۰۷/۵) برخی برآنند که شاید ملحه الاعراب حریری نخستین سروده‌ی نحوی در ادبیات عربی باشد (ر.ک: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۶۹/۱۰) ولی احمد بن منصور یشکری (م. ۳۷۰ق.) ارجوزه‌ای در بحر رجز با مطلع:

الحمد لله الذی تعالی واستخلص العزّه والجلالا
در مباحث صرفی و نحوی داشته است که برخی ابیات آن موجود است (ر.ک: ابوحيان اندلسی، ۱۰۴/۲؛ سیوطی، ۳۹۲/۱) اما نخستین نشان از کهن‌ترین سروده‌ی نحوی در ادبیات عربی را خلف بن حیان احمر بصری (م. ۱۸۰ق.) در کتاب مقدمه النحو (ص ۸۵-۸۶) در اختیار ما گذارده است. وی با اشاره به قصیده‌ی نحوی خلیل

بن احمد فراهیدی (م. ۱۷۰ق.) دو بیت آن را نیز درباره‌ی عطف نسق (= عطف به حروف) آورده است:

فأنسقُ وصلُ بالواو قولک کله و بلا وثمّ وأو فلیست تَصْعَبُ
الفاء ناسقه کذلک عندنا وسیلها رحب المذاهب مُشْعَبُ

خلیل بن احمد افزون بر جایگاه بلندش در عروض و لغت، در شعر و نحو نیز استاد بوده است. ابن ندیم (ص ۱۸۴) از دفتر شعر خلیل خبر داده است و دو بیت از سروده‌های خلیل را درباره‌ی دو کتاب استادش عیسی بن عمر (م. ۱۴۹ق.) در علم نحو با نام‌های اکمال و جامع آورده است (ابن ندیم، ۴۷):

بطل النحو جمیعاً کله غیرما أحدث عیسی بن عمر
ذاک «اکمال» و هذا «جامع» فهما للناس شمس و قمر

یاقوت حموی (۱۲۶۵/۳-۱۲۷۰) برخی سروده‌های خلیل بن احمد را آورده است. نیز بیتی را از خلیل آورده که شامل تمام حروف تهجی است:

صف خلق خود کمثل الشمس اذبرغت يحظى الضجیع بها نجلاء معطار
یاقوت حموی (۱۲۶۳/۳) تصریح کرده که خلیل بن احمد نخستین کسی بوده است که توانسته در یک بیت تمام حروف تهجی را گرد آورد.

خلیل بن احمد که اصلاً ایرانی بوده (یاقوت حموی، ۱۲۶۰/۳) و با زبان هندی نیز آشنا بوده است (مجتبایی، ۵۴) با پرورش شاگردانی همچون سیبویه، مؤلف الکتاب، استادی خود را در علم نحو به اثبات رسانده است و به گفته‌ی ابن ندیم (ص ۵۷) اصول و مسائل کلی الکتاب سیبویه از آن خلیل بن احمد است. ابواسحاق زجاج (م. ۳۱۱ق.) نیز به این مسئله تصریح کرده است (ر.ک: الکتاب، ۶/۱). نام خلیل ده‌ها بار در کتاب آمده است (برای نمونه ر.ک: الکتاب، ج ۱/۱۵۹، ۱۶۶، ۳۴۷، ۳۵۱؛ ج ۲/۴۷، ۲۹۳، ۱۵۹، ۱۰۵ و ۰۰۰) از این رو خلیل را «امام فی النحو» (ابن خلکان، ۲/۲۴۴)

و مؤسس حقیقی نحو عربی (بروکلمان، ۱۳۱/۲) و غایت در استخراج مسائل نحو و تصحیح قیاس و تعلیل در علم نحو (ابن ندیم، ۴۸؛ یاقوت حموی، ۱۲۶۱/۳) معرفی کرده اند.

زجاجی (م. ۳۳۷ق؛ ص ۶۵-۶۶) سخنی را از خلیل بن احمد نقل کرده است با این مضمون که از خلیل پرسیدند: علل و قواعد نحو را از عرب گرفتی یا خود دریافتی؟ خلیل پاسخ داد که عرب برحسب طبیعت خود سخن می گوید و علل و قواعد در سخن آنان نهفته است هرچند که از آنان نقل نشده باشد. وی خود را از کسانی بر می شمرد که به کشف و استخراج این علل دست یازیده اند بسان خردمندی که به خانه ای بزرگ و بشکوه درآمده و با خرد خود دریابد که بنای اجزای خانه بر چه اساسی بوده است. زجاجی (همانجا) این سخن خلیل را ستوده و وی را فردی با انصاف دانسته است.

پس از تصریح خلف احمر (ص ۸۵-۸۶) بر اینکه خلیل را قصیده ای در علم نحو بوده است همگان می پنداشتند که این اثر نیز جزء آثار از دست رفته ی خلیل است تا اینکه با پیدا شدن نسخه های خطی این قصیده (ر.ک: عقیفی، ۱۵۵-۱۷۲) و چاپ آن گنجینه ای ارزشمند در اختیار پژوهندگان نحو عربی قرار گرفت. دکتر احمد عقیفی، استاد دانشگاه قاهره، کتاب را در ۱۴۲۴ق. ۲۰۰۳ م. در قاهره به چاپ رساند. این منظومه ی منسوب به خلیل در ۲۹۳ بیت در بحر کامل با مطلع:

الحمد لله الحمید بمنه أولی وأفضل ما ابتدأت وأوجب
سروده شده و مشتمل بر بسیاری از مباحث علم نحو است. از نکات جالب در این منظومه اشاره به نام های افراد است که شامل نام های بزرگان دین، نحویان، شاگردان و معاصران خلیل و... است (برای آگاهی از آن ها ر.ک: عقیفی، ۱۰۶-۱۰۹).

از دیگر نکات مهم در این منظومه آن است که در برخی ابیات، مباحث نحوی در ضمن مثال مطرح شده است. برای نمونه در بیت های ۱۳۵-۱۳۹، که درباره ی «حتی» است، چندین مثال ذکر شده است (نک: عقیفی، ۲۲۰-۲۲۱):

و اذا أتت حَتَّى وکانت غایهً فاختفض و إن کثروا علیک وألبوا
فتقول قدخاصمت قومک کلهم حَتَّى أخیک لأن قومک أذنبوا
ولقدأکلت الحوت حتی رأسه حتی أخوک یلومنی و یؤنب
حتى أخاک ضربت لمأسبني وکذاک أفعل بالذی یتوئب

این امر نشان دهنده ی تعلیمی بودن قصیده و شیوه ی خاص خلیل بن احمد است. برخی مثال های خلیل در این منظومه با مثال های او در دیگر آثارش همچون کتاب العین و الجمل فی النحو یکسان است (برای نمونه ر.ک: عقیفی، ۱۲۵-۱۲۶، ۱۳۱-۱۳۲) همچنین برخی آراء وی در این منظومه با مطالب کتاب سیبویه مشابهت و همخوانی دارد از جمله در مبحث شرط و جزای آن (نک: همان، ۱۳۵-۱۳۶).

از آنچه گفته آمد مستفاد می گردد که پیشینه ی ادبیات منظوم تعلیمی در مباحث صرف و نحو به سده ی دوم هجری باز می گردد و این امر در مباحث تاریخ نحو و سیر تطور آن و به کارگیری اصطلاحات نحوی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. شاید سرایندهگان منظومه های نحوی و مؤلفان نخستین، که در این نوشتار از آنان یاد شد، این منظومه ی خلیل را در اختیار داشته اند همانگونه که خلف احمر بصری بر آن دسترسی داشته و دو بیت آن را نقل کرده است. این امر با جست و جوهای بیشتری در آینده هویدا خواهد شد.

منابع:

۱. ابن انبارى، كمال الدين ابوالبركات عبدالرحمن بن محمد، *نزهة الالباء فى طبقات الادباء*، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره [تاريخ مقدمه‌ى مصحح ۱۳۸۶ ق. / ۱۹۶۷ م.]
۲. ابن خلكان، *وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان*، تحقيق احسان عباس، بيروت ۱۹۶۸-۱۹۷۷.
۳. ابن عقيل، بهاء الدين عبدالله، *شرح ابن عقيل*، تحقيق محمد محيى الدين عبدالحميد، مصر ۱۳۸۴/۱۹۶۴.
۴. ابن نديم، كتاب الفهرست، تحقيق محمد رضا تجدد، تهران ۱۳۵۰ ش.
۵. ابوحيان اندلسى، محمد بن يوسف، *ارتشاف الضرب من لسان العرب*، تحقيق مصطفى احمد النماس، قاهره ۱۴۲۶ ق. / ۲۰۰۵ م.
۶. بروكلمان، كارل، *تاريخ الادب العربى*، نقله الى العربية عبدالحليم النجار، قاهره ۱۹۷۷ م.
۷. حاجى خليفه، مصطفى بن عبدالله، *كشف الظنون عن اسامى الكتب والفنون*، بيروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰.
۸. حريرى، ابو محمد قاسم بن على، *شرح ملحہ الاعراب*، تحقيق فائز فارس، اردن ۱۴۱۲/۱۹۹۱.
۹. خلف احمر بصرى، *مقدمه فى النحو*، تحقيق عزالدين تنوخى، دمشق ۱۳۸۱/۱۹۶۱.
۱۰. *دايرة المعارف بزرگ اسلامى*، زير نظر كاظم موسوى بجنوردى، ج ۱۰، تهران ۱۳۸۰.
۱۱. زجاجى، ابوالقاسم، *الايضاح فى علل النحو*، تحقيق مازن المبارك، قاهره ۱۹۵۹.
۱۲. سيبويه، الكتاب، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، بيروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸.

۱۳. سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن، *بغية الوعاة فى طبقات اللغويين و النحاة*، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره ۱۳۸۴/۱۹۶۴.
۱۴. عفيفى، احمد، *المنظومة النحوية المنسوبة الى الخليل*، قاهره ۱۴۲۴/۲۰۰۳.
۱۵. قفطى، على بن يوسف، *انباه الرواة على انباه النحاة*، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره ۱۳۷۴/۱۹۵۵.
۱۶. مجتبائى، فتح الله، *نحوه‌ندى و نحو عربى*، تهران ۱۳۸۳.
۱۷. ياقوت حموى، *معجم الادباء*، تحقيق احسان عباس، بيروت ۱۹۹۳.